وجود گوهری در دل اخبار عدد و القاء اخبار عدد برای حفظ آن در تاریخ

استاد: بله، ولی نکته سر این است که لسان روایات عدد تندتر از این فرمایش شما بود. قسم داشت، ابداً داشت. جلوتر عرض کردم؛ گاهی حدیث نفس است؛ آدم با خودش یک چیز می‌گوید. من اینطور به ذهنم می‌آید که مقصود اصلی از روایات عدد چیزی است که می‌خواستند آن را بگویند تا بمانند. نه اینکه بگویند تا عمل شود. جلوترها هم عرض کردم. چرا بگویند که بماند؟ برای اینکه آن‌ها مطالبی را تزریق کرده‌اند و در این روایات عدد گذاشته‌اند که تا آخر روز قیامت، اهلش باید آن مطالب را بشنوند. عملاً که کنار می‌رود ولی در کتاب‌ها می‌ماند. خیلی مهم است که انسان یک کاری بکند که یک مطلبی را در یک ماشینی و مرکبی بار کند و حمل کند که این حامل در بطون و دل تاریخ برود. برای چه کسی؟ برای کسانی که مقصود اصلیش است، ولو مقصود ظاهری آن نسیاً منسیاً شود. اما مقصود محوری‌ای که داشتند برای اهل بود. وقتی به دست آن‌ها برسد می‌بینند درست است. چرا؟ چون مشتمل بر محوری‌ترین موضوعات معارف قرآن و اهل البیت است؛ خلقت آسمان و زمین در شش روز، یک موضوع خیلی مهمی است. عدد شش بود، استوی علی العرش بود، عدد دوازده بود. خیلی از چیزها بود که در آن خوابیده بود. خود شهر رمضان؛ اینکه الآن می‌گویید شهر تام باشد، سی روزه باشد، در ناحیه عالم دیگری چه تشکیلاتی دارد، ما که نمی‌دانیم. شاید در کافی شریف بود. در بحارالانوار که قطعاً دیدم. الآن یادم نیست مآخذ آن کجا بود. شبیه آن روایتی که در کافی هست قرآن کریم در روز قیامت در صورت انسان می‌آید و از جلوی همه خلائق رد می‌شود. هر کسی تعجب می‌کند؛ انبیاء تعجب می‌کنند، شهدا تعجب می‌کنند. آخر کار خطاب می‌آید این قرآن است. قرآن کریم است که متمثل شده. این روایت در کافی هست. همین تعبیری برای شهر رمضان هست. در بحارالانوار که هست. الآن نمی‌دانم مرحوم مجلسی از کجا نقل فرموده‌اند. یادم نیست. فرمودند در صحنه قیامت شهر رمضان در صورت انسان می‌آید. به‌صورت انسانی می‌آید که نشان می‌دهد من چه هستم و با مؤمنین چه کار کرده‌ام. رابطه آن‌ها با من چه بوده، رابطه من با آن‌ها چه بوده. خُب کسی که آن مطالب و معارف را می‌داند از روایات تمامیت شهر رمضان چیزهایی می‌فهمد که ما نمی‌فهمیم. ائمه این کار را کرده‌اند؛ یعنی با دو-سه حدیث این حرف‌ها را گذاشته‌اند. ولو عملاً معلوم باشد ما ماه را دیدیم و عملاً معنایی ندارد بعد از اینکه ماه شوال را دیدیم بگوییم فردا باز هم روزه می‌شویم. این را قبلاً عرض کرده‌ام.

شاگرد: شاهد اینکه فرمودید در زمان صدور روایات، روایات رؤیت این شهرت را نداشتند، این است که مرحوم صدوق در خصال روایت «يصيبه ما يصيبه الشهور من النقصان و التمام اتقي كما تتقي العامة»[1] موافق با روایات عامه و منسب با تقیه می‌دانند. یعنی کسی سراغ آن روایات برود، از او تقیه می‌شود.

استاد: بله، در امالی صدوق هم دیدم که آن هم مقابل آن عبارت فقیه بود.

شاگرد: روایتی که شهر رمضان تام است، در امالی در نوادر المعانی میآورند.

استاد: ولی تعبیری داشتند که موافق با آن چیزی که در فقیه فرمودند نبود.

«و كرواية الفضيل بن عثمان»؛ در کافی مطبوع فضل به عثمان است. اما سید درست نقل کردهاند. «عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: «ليس على أهل القبلة إلّا الرؤية، ليس على المسلمين إلّا الرؤية». مرحوم سید در اینجا تعبیر کردهاند «کروایة»، نگفته اند صحیحه. ولی در نرمافزار صحیحه است. فقط در سند آن کسی که ممکن است خدشه کند، سیف بن عمیره است که نسبت وقف به او دادهاند. اینجا احتمال دارد که سید فقط بهخاطر سیف تعبیر به روایت کردهاند و تصریح نکردهاند. حاج آقا مکرر میفرمودند بنده دیدهام که صاحب جواهر، صحیح مسلم را «کالخبر» میگوید. یعنی ایشان تقید نداشته که اگر می دانسته صحیحه است، حتما ًبگوید صحیحه است. آن حساسیتی که الآن متاخرین دارند را نداشته.

شاگرد: ظاهرا ًدر نجف قبلا ًوقع به این اصطلاحات رجالی نبوده.

استاد: نبوده و بعدش شده. این دور نیست. خود مرحوم شیخ انصاری هم همینطور هستند. کامل معلوم است. حاج آقا رضا هم همینطور هستند.

شاگرد: حاج آقا رضا یک روایتی را صحیحه میگویند و بعد میگویند من که صحیحه میگویم چون از مشایخ شنیدهام.

استاد: بله، یعنی اتکاء به الفاظ آنها میکردند.

علی ای حال تحقیق کنید ایشان که روایت میگویند، از این باب است که همینطور بگویند یا به خصوصه برایشان ثابت نبوده. ببینیم جاهای دیگر مرحوم سید راجع به سیف چه گفتهاند.

والحمد لله رب العالمين

---

[1] الخصال نویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۲ صفحه : ۵۳۲

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 14:02:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 14:03:47 توسط ... .